

فیلم و واقعیت

تحلیل فلسفی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم





دانشگاه باقرالعلوم

این اثر با حمایت دانشگاه باقرالعلوم^(ع) تهیه شده است.

Film and Reality:
A Philosophical Analysis of Film Realism Theories
Seyed Hamid Mirkhandan

© Logos Publications 2019



فیلم و واقعیت

تحلیل فلسفی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم

سید حمید میرخندان



سرشناسنامه	میرخندان، سیدحمید، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	فیلم و واقعیت: تحلیل فلسفی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم / سیدحمید میرخندان.
مشخصات نشر	قم: لوگوس، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۴۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۰۹-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۲۹.
عنوان دیگر	تحلیل فلسفی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم.
موضوع	بازن، آندره، ۱۹۱۸ - ۱۹۵۸ م. / Andre, 1918-1958. Bazin
موضوع	کراکاوئر، زیگفرد، ۱۸۸۹-۱۹۶۶ م. نقد و تفسیر / Kracauer, Siegfried-Criticism and interpretation
موضوع	واقع‌گرایی در سینما / Realism in motion pictures
موضوع	سینما -- فلسفه / Motion pictures -- Philosophy
موضوع	سینما -- فرانسه -- تاریخ و نقد / Motion pictures-France-History and Criticism
موضوع	سینما -- آلمان -- نقد و تفسیر / Motion pictures -- Germany-- Reviews
موضوع	سینما -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام / Motion pictures -- Religious aspects-- Islam
موضوع	سینما -- ایران -- نقد و تفسیر / Motion pictures -- Iran -- Reviews
رده‌بندی کنگره	PN1۹۹۵/۹
رده‌بندی دیویی	۷۹۱/۴۳۶۱۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۵۷۲۱۸۹۶



لوگوس

فیلم و واقعیت: تحلیل فلسفی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم

سید حمید میرخندان

ویراستار مهدی وجدانی
طراح جلد حسین راست‌منش
چاپ اول ۱۳۹۸
شمارگان ۵۰۰
قیمت ۴۰۰۰ تومان
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۰۹-۵

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

تقدیم به مرحوم استاد

علی صفایی حائری

فهرست

۱. مقدمه----- ۱
۲. مفاهیم و کلیات نظری ----- ۹
 - ۱.۲ فیلم ----- ۹
 - ۲.۲ نظریه ----- ۲۲
 - ۳.۲ نظریه فیلم ----- ۲۴
 - ۴.۲ فلسفه فیلم ----- ۳۹
۳. نظریه واقع گرایی بازن ----- ۴۳
 - ۱.۳ وجود و ماهیت فیلم ----- ۴۴
 - ۲.۳ عدم انتزاع فیلم ----- ۴۸
 - ۳.۳ عشق در فیلم ----- ۶۱
۴. مبانی فلسفی نظریه بازن ----- ۶۳
 - ۱.۴ تقدم وجود انسان بر ماهیتش ----- ۶۳
 - ۲.۴ عدم انتزاع ----- ۶۹
 - ۳.۴ زمان ----- ۷۷
 - ۴.۴ ابهام و عدم تعیین معنا ----- ۸۰
 - ۵.۴ تصادفی بودن ----- ۸۷
 - ۶.۴ عشق ----- ۹۱
 - ۷.۴ جمع بندی ----- ۹۴
۵. نظریه واقع گرایی کراکوتر ----- ۹۷
 - ۱.۵ هنر فیلم ----- ۹۷
 - ۲.۵ خصایص پایه فیلم ----- ۱۰۳
 - ۳.۵ شکل فیلم ----- ۱۰۵
۶. مبانی فلسفی نظریه کراکوتر ----- ۱۰۷
 - ۱.۶ عدم انتزاع ----- ۱۰۷
 - ۲.۶ ابهام و عدم تعیین ----- ۱۱۹
 - ۳.۶ تصادفی بودن ----- ۱۲۴
 - ۴.۶ جمع بندی ----- ۱۲۵

۱۲۷	-----	۷. نقد مبانی فلسفی: نقدهای مشترک
۱۲۷	-----	۱.۷ معنا
۱۴۲	-----	۲.۷ علیّت
۱۴۹	-----	۸. نقدهای خاص مبانی نظریه بازن -
۱۴۹	-----	۱.۸ وجود و ماهیت
۱۵۶	-----	۲.۸ زمان
۱۵۹	-----	۳.۸ عشق
۱۶۳	-----	۹. نقدهای خاص مبانی نظریه کراکوتر
۱۶۳	-----	۱.۹ عقل
۱۶۴	-----	۲.۹ ایدئولوژی
۱۶۶	-----	۳.۹ زندگی
۱۶۶	-----	۴.۹ جمع بندی
۱۷۱	-----	۱۰. نظریه دینی بازنمایی فیلم: حقیقت گرایی
۱۷۱	-----	۱.۱۰ مفهوم حقیقت
۱۷۴	-----	۲.۱۰ ساحت های حقیقت
۱۷۹	-----	۳.۱۰ دریافت حقیقت
۱۸۱	-----	۱۱. نظریه دینی بازنمایی فیلم: غایت هنر
۱۸۱	-----	۱.۱۱ تخیل و بیان هنری
۱۸۵	-----	۲.۱۱ هنر و حقیقت
۱۹۰	-----	۳.۱۱ واقعیت فیلمی
۱۹۵	-----	۱۲. نظریه دینی بازنمایی فیلم: شکل فیلم
۱۹۵	-----	۱.۱۲ روایت
۲۰۳	-----	۲.۱۲ ژانر
۲۱۰	-----	۳.۱۲ سبک
۲۱۷	-----	۴.۱۲ جمع بندی
۲۲۳	-----	۱۳. نتیجه گیری
۲۲۹	-----	منابع
۲۳۹	-----	نمایه

۱. مقدمه

پرداختن به مطالعات دینی فیلم یکی از ضرورت‌های دوران ماست. بازخوانی حوزه‌های متنوع و گسترده مطالعات فیلم بر اساس آموزه‌های دینی، بستری برای رشد و گسترش جریان‌های فیلم‌سازی همسو با فرهنگ ما را فراهم می‌کند. امروزه فیلم یکی از پدیده‌های فرهنگی در انتقال فرهنگ، چه فرهنگ نخبگان و چه فرهنگ عامه، است (کالکر، ۱۳۸۴: ۱۷۷). سینما جنبه‌های مختلف فناوریانه و اقتصادی دارد اما از همه مهم‌تر جنبه فرهنگی آن است. از آنجاکه فیلم فرهنگ را بازنمایی و بازتولید می‌کند، امری فرهنگی محسوب می‌شود و به همین دلیل در مطالعات فرهنگی به آن توجه شده است. تهاجم فرهنگی در کشور ما از رسانه فیلم بهره می‌برد که وجهی از آن، ظهور و گسترش قارچ‌گونه شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی‌زبان است. سینمای غرب نیز از طریق همین شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های تلویزیون داخلی در میان مخاطبان ایرانی امکان حضور پیدا کرده است. فیلم در کشور ما - مانند کشورهای دیگر - به طور کلی، از طریق ویدئوکلپ‌ها در خانه‌ها و اماکن عمومی مانند اتوبوس، قطار و پخش از طریق تلویزیون مخاطبان زیادی را هدف می‌گیرد. حتی فیلم در سرگرم‌کننده‌ترین محصولات خود فرهنگ را بازتولید و بازنمایی می‌کند. انتقال فرهنگ اسلامی با رسانه فیلم، امکانی است که به دلایل عقلی و نقلی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. در واقع، مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و انتقال فرهنگ اسلامی دوروی یک سکه‌اند.

فیلم پیش از انقلاب اسلامی مشکلات فرهنگی متعددی داشت. یکی از مشکلات اساسی انقطاع یا، حداقل، فاصله از فرهنگ دینی در تولیداتی بود که در دو جریان عمده سینمایی آن زمان، یعنی فیلم فارسی و نیز جریان نوی سینمای ایران، وجود داشت. تلویزیون هم متأثر از سینما با این مشکل مواجه بود. به طور خاص، این فاصله و انقطاع

ریشه در ضعف‌های نظری و بی‌اعتنایی به نقش اجتماعی و اخلاقی فیلم داشت. هرچند، تکیه فیلم به تولید و عمل است، اما در بستری نظری به حیات خود ادامه می‌دهد. موج نوی سینمای پیش از انقلاب اسلامی (در دهه ۱۳۵۰) هم که بر بنیانی نظری شکل گرفته بود، این فاصله و انقطاع به شکلی مؤثرتر و ریشه‌ای‌تر وجود داشت. بنابراین، در این زمینه دانش نظری قابل نقد و جهل دخالت داشتند. ضعف نظریه‌ای متناسب با فرهنگ اسلامی در عرصه فیلم زمینه‌ساز عملکرد ضعیف در تولید محصولات شد که به‌طور کلی با فرهنگ اسلامی هماهنگی و همخوانی نداشت.

مناسبات غیراخلاقی میان عوامل تولید فیلم یکی از مشکلات عمده سینمای قبل از انقلاب در بود که خود متأثر از عوامل دیگری بود. بی‌شک یکی از عوامل مهم همان مشکل اول، یعنی نبود دانش نظری متناسب با فرهنگ اسلامی، بود که فضای سینمای کشور ما را دچار بی‌هویتی، تعارضات شناختی و اخلاقی می‌کرد. با توجه به صنعت بودن فیلم مناسبات سوء اقتصادی نیز منطق خود را بر فیلم تحمیل می‌کرد و به این مناسبات غیراخلاقی با هدف کسب درآمد دامن می‌زد. ضمن آنکه به دلیل نوع روابط کاری در فیلم، اختلاط در پشت و جلوی دوربین زمینه و بستری را برای نارسایی‌های اخلاقی به وجود می‌آورد. همچنان که گفته شد این امر را باید در فضای سینمای کشور دید که متأثر از نوع نگاه به سینما بود و این نگاه، ریشه در مباحث نظری داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فیلم همچنان با شدت و ضعف با این دو مشکل مواجه بوده است. پس از انقلاب جریان سینمایی جدیدی شکل گرفت که با انقلاب اسلامی و به‌طور کلی فرهنگ اسلامی همسویی و همراهی نشان می‌داد؛ ژانر دفاع مقدس متعلق به این جریان است. اگرچه تولیدات این جریان به معنای واقعی کلمه هیچ‌گاه به یک جریان گسترده تبدیل نشد. به تعبیر دیگر، سینمای ما واجد یک جریان قوی و غالب با عنوان سینمای ملی که متناسب با فرهنگ اسلامی باشد نشده است؛ سینمایی که ساختار و نظام فرمی آن برآمده از تفکر اسلامی و زیرساخت‌های فرهنگی مان باشد.

دانش مربوط به فیلم در مراکز آموزش رسمی و آزاد، که از این دومی هم در کشور کم نیستند، به‌طور کلی مبتنی بر مطالعاتی است که در غرب انجام شده است و ما اساساً حوزه مطالعات فیلم را بر اساس میانی اسلامی مورد بازخوانی قرار نداده‌ایم. به عبارت دیگر، پس از انقلاب همچنان دانش فیلم در کشور مبتنی بر میانی معرفت غربی است و در زمینه دانش

فیلم مبتنی بر حوزه معرفتی و فرهنگی اسلام دچار ضعف نظری شدید هستیم. این ضعف نظری آثار و پیامدهای خود را در عمل و تولید فیلم به جای گذاشته و می‌گذارد. یکی از مواضعی که فقدان نظریه تأثیرات مخربی بر آن گذاشته، جایگاه منتقدان است؛ اگر منتقدان بر مبنای نظریات بومی نقد می‌کردند حاصل کار آنان بر فرایندهای عملی فیلم بسیار تأثیرگذار و مشهود بود.

همچنان که نبود نظریه‌پردازی در مناسبات کاری و حرفه‌ای کسانی که در شکل‌گیری و تولید فیلم نقش داشتند تأثیرگذار بوده است، به دلیل همین کاستی در حل مشکل دوم، یعنی تولیدات سینمایی با وجود حساسیت‌هایی که به خرج داده‌ایم، توفیق چندانی به دست نیاورده‌ایم و از وضعیت مطلوب فاصله داریم. براین اساس، دانش دینی فیلم یا دانش فیلم مبتنی بر دین از ضرورت‌های دوران ماست. ما باید حوزه‌های مختلف مطالعات فیلم از جمله نظریه فیلم را با رویکردی اسلامی بازخوانی کنیم.

می‌دانیم که فیلم در آغاز به شکل سینما ظهور کرد. در ابتدا در اینکه سینما اساساً هنر باشد تردید وجود داشت. هنر بودن فیلم رفته‌رفته با مطالعاتی که درباره سینما صورت گرفت جای خود را باز کرد و زمان زیادی طول نکشید تا هنر تلقی شود. یکی از مؤثرترین عوامل هنر انگاشته شدن فیلم پیدایش نظریه‌ها و نظریه‌پردازی در حوزه فیلم بود. نظریه‌پردازی درباره فیلم راه را برای هنر تلقی شدن آن باز کرد. پیدایش نظریه‌های فیلم از لحاظ تاریخی فاصله زیادی از ظهور فیلم ندارد. در اواسط دهه ۱۹۱۰ نظریه‌پردازی درباره فیلم آغاز شد؛ یعنی زمانی که حدود دو دهه از پیدایش آن به عنوان وسیله سرگرمی اقشار پایین جوامع می‌گذشت. در دوران نظریه‌های کلاسیک فیلم کسانی مانند مانستربرگ^۱، آرنه‌ایم^۲، بالاش^۳، آیزنشتاین^۴، بازن^۵ و کراکوتز^۶ نظریه‌پردازی می‌کردند. پس از دهه ۱۹۶۰، یعنی دوران نظریه‌های مدرن فیلم، نظریه‌ها از برخی شاخه‌های علوم مانند روان‌کاوی و نشانه‌شناسی تأثیر پذیرفتند. ویژگی مشترک نظریه‌های کلاسیک و مدرن نگاه کلان‌نگر بود. رفته‌رفته از دهه ۱۹۹۰ به بعد نظریه‌های فیلم از جامعیت و کلی‌نگری دست برداشتند

1. Munsterberg

2. Arenheim

3. Balazs

4. Eisenstein

5. Bazin

6. Kracauer

و نظریه‌های خُرد که به حوزه‌ای خاص از فیلم می‌پرداختند شکل گرفتند. نظریه‌ها در ابتدا به دنبال تبیین ماهیت فیلم بودند. آنها ضمن آنکه تلاش می‌کردند مفاهیم مرتبط با فیلم و قواعد حاکم بر فیلم را تبیین کنند، توصیه‌هایی هم مطرح می‌کردند و از این طریق به ترویج برخی جریان‌ها، سنت‌های فیلم‌سازی و نفی بعضی سنت‌های دیگر می‌پرداختند. به موازات نظریه‌پردازی در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ در غرب حوزه‌ای مطالعاتی با عنوان فلسفهٔ فیلم به وجود آمد که حاصل تأملات فلسفی دربارهٔ فیلم است. بخشی از این تأملات به مفاهیم و ریشه‌های فلسفی، چه فلسفهٔ محض و چه فلسفهٔ هنر، در نظریه‌های فیلم می‌پردازد. فلسفهٔ فیلم رفته‌رفته حوزهٔ قابل‌اعتنایی را در مطالعات فیلم به وجود آورده و فیلسوفانی را در این حوزه فعال کرده است.

به‌طورکلی، نظریه‌های فیلم را می‌توان در سه حوزهٔ «مؤلف»، «متن» و «مخاطب» دسته‌بندی کرد. این کتاب به نظریه‌های بازنمایی واقع‌گرایانه که متعلق به حوزهٔ متن است، می‌پردازد. نظریات بازنمایی به این می‌پردازند که فیلم در بازنمایی واقعیت و آنچه به تصویر می‌کشد چه مقدار واقع‌نمایی می‌کند، یا تا چه اندازه دیدگاه‌های ایدئولوژیک هنرمند در این بازنمایی دخالت می‌کند، یا نقش بیننده و مخاطب در این بازنمایی چیست؟ نظریه‌های بازنمایی واقع‌گرایانه بر دیگر نظریات بازنمایی تقدم تاریخی دارد.

بازنمایی بررسی نسبت جهان تصویرشده در فیلم، تفسیرها و احیاناً کژتابی‌های آن در مقایسه با جهان واقع است. بازنمایی در هنر نخستین بار در نظریات افلاطون و سپس شاگرد او، ارسطو، به‌صورت مدون مطرح گردید. هنر به‌عنوان «تقلید»^۱ در یونان باستان نظریه‌ای مورد قبول همگان بوده و «اعتقاد به هنر به‌مثابهٔ تقلید در آثار گزنفون و آریستوفان نیز یافت می‌شود» (گروب در ارسطو، ۱۳۸۶: ۲۰). تقلید در هنر و اینکه اثر هنری تقلیدی از جهان خارج است بحث محاکات، چگونگی و میزان بازنمایی را به میان می‌آورد. افلاطون در همپرسهٔ جمهوری موضوع هنر در تراژدی و کمدی را تقلید می‌گوید (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۰۳). ارسطو هم در رسالهٔ فن شعر هنر نمایش را تقلید از کنش انسان می‌داند. از نظر ارسطو «تراژدی کنشی تقلیدشده است» (ارسطو، ۱۳۸۶: ۵۴)، و تقلید از کنش، پیرنگ یا طرح^۲ را که ترتیب رخدادهاست تشکیل می‌دهد (همان، ۵۵).

1. mimesis

2. plot

بازنمایی واقع‌گرایانه در فیلم را آندره بازن (۱۹۵۸-۱۹۱۸)، نظریه‌پرداز فرانسوی، و زیگفرت کراکوتر (۱۹۶۶-۱۸۸۹)، نظریه‌پرداز آلمانی، مطرح کردند که همچنان در عرصه نظریه‌ای و تولید فیلم تأثیرگذار است. هنوز در نظریه فیلم دیدگاه‌های این دو صاحب نظر بحث و بررسی می‌شود. گاهی این بررسی‌ها به بازخوانی جدیدی برخلاف نظریات قبلی درباره این دو منجر شده است. مانند اینکه برخلاف آنچه پیش‌تر اندرو^۱ گفته بود رئالیسم کراکوتر رئالیسمی خام نیست. مفهوم کانونی مورد بحث در هر دو نظریه مفهوم «واقعیت در سینما» است که یکی از مباحث مطرح سینماست. این موضوع به گونه‌ای در مباحث فلسفه هنر هم تحت عنوان هنر و واقعیت مطرح است. درباره بازنمایی فیلم سه بحث اساسی و مهم وجود دارد: ۱. فیلم و بازنمایی واقعیت؛ ۲. فیلم و ذهنیت هنرمند (مؤلف)؛ ۳. فیلم و ادراک مخاطب. جدای از واقع‌گرایی به مثابه نظریه بحث از واقع‌گرایی اثر به عنوان معیاری در نقد هنری، بحثی زنده و مطرح است. در بخشی از این دو نظریه مطالبی پیرامون پدیدارشناسی در فیلم مطرح شده است؛ پدیدارشناسی فیلم در حال حاضر، یکی از عرصه‌های مطرح و زنده در حوزه نظریه فیلم است (رشتون و بتین، ۲۰۱۰: ۱۷۸).

چارچوب روش‌شناختی این کتاب الهام‌گرفته از روش‌شناسی بنیادین (ارائه شده به وسیله استاد حمید پارسانیا) است. روش‌شناسی بنیادین

پیامدهای منطقی مبادی و اصول موضوعه مختلف گوناگون را نسبت به یک حوزه معرفتی و علمی به روش علمی جست‌وجو می‌کند و عهده‌دار صدق و کذب مبادی یا صدق و کذب نظریه‌ای نیست که بر اساس آن مبادی شکل می‌گیرد. روش‌شناسی بنیادین تنها خطاهای روش‌شناختی یک نظریه را بیان می‌کند و در صورتی که یک نظریه از مبادی اعلان شده و یا ناگفته خود عدول کرده باشد، انحراف آن را مشخص می‌سازد. (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۰)

این نوشته به دنبال بررسی صدق و کذب مبادی فلسفی نظریات و همچنین تأثیرگذاری آن‌مبانی در نظریات است؛ اما امکانی که در روش‌شناسی بنیادین وجود دارد این است که به کشف مبانی نظریه کمک می‌کند و

1. Dudley Andrew
2. Rushton & Bettin

با مشخص ساختن مبانی یک نظریه زمینه نقدهای مبنایی آن را نیز پدید می‌آورد. نقدهای مبنایی نقدهایی است که ناظر به مبادی و اصول موضوعه نظریه و علم است. نقد مبنایی از موضع دانشی مطرح می‌شود که اصل موضوعی از آن دانش اخذ شده است. اگر اصل موضوعی اصل معرفت شناختی و یا فلسفی باشد، نقد آن اصل، مربوط به همان علم است. (همان، ۱۱)

در واقع این همان چیزی است که مورد اهتمام این نوشته است؛ یعنی بررسی مبانی فلسفی موجود در نظریات و مطالعات مربوط به بازنمایی فیلم و نقد آنها. روش‌شناسی بنیادین معتقد به امکان نقد و به‌طور منطقی وجود معیارهایی برای نقد است و در نتیجه، به‌طور ضمنی معتقد به صدق و کذب مبانی است. روش‌شناسی بنیادین برخلاف نظریاتی مانند گفتمان و ساختارهای معرفتی حاکم بر آن (فوکو^۱ یا پارادایم کوهن^۲) از این مزیت برخوردار است که بی‌آنکه سر از نسبی‌گرایی معرفتی و نبود حقیقت و نفس الامر درآورد، اصل تأثیرگذاری مبانی و امکان بررسی آنها را در نظریه به وجود می‌آورد.

در این نوشته ابتدا مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی نظریه‌های واقع‌گرایی فیلم‌شناسایی و بررسی می‌شود و اینکه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف درباره بازنمایی واقع‌گرایانه چه مبادی فلسفی‌ای درباره انسان، هستی و شناخت انسان از خود و هستی دارند؟ همچنان که گذشت بخشی از این مباحث، یعنی طرح دیدگاه‌ها و مباحث فلسفی در نظریه فیلم، در غرب تحت عنوان فلسفه فیلم بررسی شده است. به‌طور منطقی برای رسیدن به این منظور باید نظریه مورد نظر واکاوی گردد تا مبانی فلسفی آن استخراج شود.

پس از آن مبانی فلسفی متعلق به تفکر مدرن نقد می‌شوند؛ این بررسی انتقادی بر اساس آموزه‌های اسلامی صورت می‌گیرد. مقصود از آموزه‌های اسلامی مجموعه مباحثی از سنخ مبانی فلسفی اسلام، یعنی دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه، است و شامل هر دیدگاه معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی یا انسان‌شناختی هماهنگ با آموزه‌های اسلام است. هرچند در اصطلاح، فلسفه شمرده نشود یا در یکی از نحله‌های فلسفی نگنجد. به عبارت دیگر، ممکن است این مفاهیم در قالب گزاره‌های غیرفلسفی بیان شوند، اما مدلول آنها مفاهیم فلسفی‌اند و از آنجاکه

1. Foucault

2. Kuhn

گزاره‌های یادشده با روش عقلانی، موضوع مورد مطالعه را تبیین می‌کنند و کلی نیز هستند، تفاوت ماهوی با گزاره‌های فلسفی ندارند. واضح است که با وجود اختلاف دیدگاه‌ها میان متفکران مسلمان، این نوشته درصدد طرح دیدگاه قابل قبول است؛ معیار اساسی ما در پذیرش و انتخاب دیدگاه عدم تنافی آن دیدگاه با آموزه‌های وحیانی است.

بررسی تأثیر نقد مبانی در نظریات واقع‌گرایی موضوع دیگر این نوشته است. واکاوی این تأثیرها راه را برای ارائه نظریه دینی در این باره باز می‌کند و به این ترتیب، به تولید دانش دینی منجر می‌شود. بنابراین، در این مسیر به دنبال طرح نظریه‌ای جایگزین با رویکرد اسلامی هستیم.

بر این اساس، فصل‌های کتاب به این ترتیب خواهد بود: پس از تبیین بعضی مفاهیم در فصل اول، در فصل دوم نظریه بازن مطرح شده است و سپس مبانی فلسفی آن بررسی می‌شود. فصل سوم به تبیین نظریه کراکوئر و مبانی فلسفی آن اختصاص دارد. فصل چهارم مبانی استخراج شده از دو نظریه از دیدگاه آموزه‌های اسلامی را در دو بخش نقدهای مشترک و نقدهای خاص هر نظریه، بررسی کرده است. در فصل پنجم تلاش شده است باتوجه به مبانی فلسفی اسلامی، نظریه‌ای در باب بازنمایی فیلم مطرح شود. در فصل ششم نتایج بحث بررسی شده است.

این نوشته را می‌توان نمونه نظریه‌پردازی دینی در عرصه فیلم دانست؛ چرا که گاهی نظریه به‌طور مستقیم از مبادی فلسفی، به‌عنوان ام‌المبادی، بهره برده است. با نقد آن مبانی از دیدگاه انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی نظریه از اساس تغییر یافته و با مبانی اسلامی هماهنگ و سازگار گردیده است. گاهی یک نظریه، نظریه‌هایی از علوم دیگر - یا حتی کمتر از آن - گزاره‌ها و مفاهیمی از علوم دیگر، مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... را به‌عنوان مبادی خود پذیرفته است. این نظریه‌ها و گزاره‌ها در علوم دیگر متأثر از - یا به تعبیری انعکاس دهنده - مبادی‌ای انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی هستند. در این صورت هم نظریه فیلم با واسطه متأثر از مبادی فلسفی است. البته نقد نظریه منحصر به نقد مبنایی (آن هم نقد مبانی فلسفی) نیست. در فصل اول درباره انواع نقد نظریه مطالب بیشتری آمده است.

در خاتمه این مقدمه باید صمیمانه از تمامی کسانی که در این نوشته نقش داشته‌اند تشکر و قدردانی کنم؛ آقایان دکتر علی اصغر فهیمی فر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسایان و دکتر نعمت‌الله کرم‌اللهی که اشکالاتی را گوشزد کردند و زوایای جدیدی از بحث را مطرح نمودند. همین‌طور باید از مسئول فاضل و فرهیخته انتشارات لوگوس آقای دکتر

۸ / فیلم و واقعیت

سید علی اصغر سلطانی که به صورت مطلوب امکان چاپ کتاب را فراهم کردند،
سیاسگزار و قدردانی کنم.